

درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط پنجم؛ طلا و نقره نبودن ظرف آب وضو

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

تاریخ: ۱۹ آذر ۱۳۹۷

مصادف با: ۲ ربیع الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۳۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در شرط پنجم از شرائط وضو بود. مرحوم سید (ره) فرمود که شرط پنجم این است که ظرف آب وضو از ظروف طلا یا نقره نباشد و الا وضو با آن باطل است. عرض شد که در رابطه با استفاده از ظروف طلا و نقره دو بحث مطرح است؛ یکی بحث از حکم تکلیفی استفاده از ظروف طلا یا نقره برای وضو گرفتن است و دیگری بحث از حکم وضعی آن است. در جلسه گذشته به بحث از حکم تکلیفی استفاده از ظروف طلا و نقره برای وضو گرفتن اشاره شد و عرض شد که در رابطه با حکم تکلیفی مسأله دو قول مطرح است؛ قول اول، قول به عدم حرمت استفاده از ظروف طلا یا نقره برای وضو و غسل است و قول دوم، حرمت استفاده از ظروف طلا یا نقره برای وضو گرفتن است. عرض شد که قائلین به حرمت استعمال ظروف طلا یا نقره به روایاتی استناد کرده‌اند که در جلسه گذشته سه روایت ذکر و بررسی شد.

سوالی در جلسه گذشته مطرح شد و آن، این بود که اگر در روایات مذکور، مطلق استعمال در تقدیر گرفته شود و خصوص اکل و شرب در تقدیر نباشد، آیا می‌توان به این روایات برای حکم به حرمت وضو و غسل از آب ظرف طلا یا نقره تمسک کرد یا نمی‌توان به این روایات تمسک کرد؟

پاسخ این است که بر فرض که در روایات مذکور، مطلق استعمال در تقدیر گرفته شود نیز نمی‌توان با تمسک به روایات مذکور، به حرمت وضو و غسل از آب ظرف طلا یا نقره حکم کرد زیرا اگر مطلق استعمال در تقدیر گرفته شود، سؤال می‌شود که محرم چه چیز است، یعنی آیا نفس استعمال حرام است یا آنچه حرام است، اعم از استعمال و افعال مترتب بر استعمال است؟ منظور از استعمال، به عنوان نمونه، برداشتن آب از ظرف طلا یا نقره برای وضو گرفتن یا غسل کردن یا نوشیدن است و منظور از فعل مترتب بر استعمال، به عنوان مثال، وضویی است که شخص بعد از أخذ آب از ظرف طلا یا نقره می‌گیرد. پس أخذ آب از ظرف طلا یا نقره یکی از موارد استعمال است و فعل مترتب بر آن، مانند وضو گرفتن است.

اگر مبنا این باشد که نفس استعمال حرام است و افعال مترتب بر استعمال حرام نیست [کما هو الحق] و آبی که نزد شخص وجود دارد، به همان آب موجود در ظرف طلا یا نقره منحصر نباشد و آب دیگری نزد او باشد یا اینکه امکان ریختن آب موجود در ظرف طلا یا نقره، در ظرف دیگر باشد، یعنی امکان تخلّص از ظرف طلا یا نقره باشد، در این صورت، وضو گرفتن و غسل کردن با آبی که در ظرف طلا یا نقره است، اشکالی ندارد و وضوی از آن ظرف صحیح است زیرا وقتی شخص آب را برداشت، وضوی با آن، وضوی با آب مباح است و مشکلی ندارد، هرچند که اصل أخذ آب از ظرف طلا یا نقره، استعمال ظرف طلا یا نقره به شمار می‌رود و حرام است و شخص معصیت کرده است، لکن بعد از اینکه آب را برداشت و با آن وضو گرفت، عنوان استعمال ظرف طلا

یا نقره بر آن صدق نمی‌کند و چون امر به وضو به قوت خود باقی است، وظیفه شخص کماکان وضو گرفتن است و نمی‌تواند تیمم کند لذا وضوی او مشکلی ندارد.

اما اگر آبی که نزد شخص است، به همان آب موجود در ظرف طلا یا نقره منحصر باشد، وضوی او صحیح است و فقط اصل آب برداشتن از ظرف طلا یا نقره حرام است و شخص به خاطر آب برداشتن، معصیت کرده است و مستحق عقاب می‌شود، لکن وضویی که با آب مأخوذ از ظرف طلا یا نقره گرفته است، صحیح است. ممکن است گفته شود که در این فرض، چون آب دیگری نزد شخص نیست، وظیفه وضو و غسل از او برداشته می‌شود و باید تیمم کند. البته ممکن است گفته شود که درست است که در این فرض، وظیفه شخص تیمم است، ولی اگر او عصیان کرد و تیمم نکرد و با همان آب منحصر به ظرف طلا یا نقره وضو گرفت یا غسل کرد، از باب ترتب به صحت وضوی گرفته شده مذکور، حکم می‌شود.

توضیح مطلب اینکه در صورت انحصار، برای مکلف جایز است که به تیمم بدل از وضو و غسل اکتفا کند چون فاقد آب است. برخی با تمسک به آیه شریفه «...فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا...»^۱، خیال کرده‌اند که فقط اگر شخص آب در اختیار نداشته باشد و فاقد آب باشد، باید تیمم کند، در حالی که دایره شمول آیه مذکور، تنها فقدان آب نیست، بلکه عدم امکان استفاده از آب نیز حکم فقدان آب را دارد. بنابراین، در موردی که ظرف غصبی است یا ظرف از طلا یا نقره است نیز می‌توان با تمسک به آیه مذکور، به تیمم حکم کرد. پس مراد از عدم وجدان آب، عدم تمکن از استعمال آن نیز است، هرچند که آب نزد شخص متوضی وجود داشته باشد و در این بحث نیز فرض این است که آب وجود دارد، لکن چون در ظرف طلا یا نقره است، استفاده آن برای مکلف جایز نیست لذا شخص متمکن از استعمال آب نیست و وظیفه او تیمم است لذا هیچ‌کس مخالف با تیمم نیست. اما اگر کسی تیمم نکرد و با همان آب موجود در ظرف طلا یا نقره وضو گرفت، طبق مبنای مختار وضوی او صحیح است چون اصل أخذ آب از ظرف طلا یا نقره حرام است، ولی بعد از اینکه شخص آب را برداشت، وضوی با آن اشکال ندارد و طبق مبنای دیگران نیز از باب ترتب به صحت وضوی او حکم می‌شود.

اما اگر آب نزد شخص، منحصر به آب موجود در ظرف طلا یا نقره نباشد، وظیفه شخص از وضو به تیمم منتقل نمی‌شود چون امر به وضو کماکان به قوت خود باقی است زیرا امکان وضو گرفتن یا غسل کردن از ظرف دیگر وجود دارد، لکن اگر در همین فرض، شخص از همان ظرف طلا یا نقره آب برداشت و وضو گرفت یا غسل کرد، وضو و غسل او صحیح است زیرا آنچه حرام است، فقط اصل آب برداشتن است، ولی بعد از اینکه او آب را برداشت، وضو و غسل با آبی که برداشته است، اشکال ندارد زیرا وضو گرفتن، عمل مترتب بر استعمال است و عین استعمال نیست و بنابراین، امر به وضو در حق آن شخص باقی است و وضو و غسل او صحیح است.

ان قلت: وضو با آبی که به وسیله اغتراف از ظرف طلا یا نقره برداشته می‌شود، صحیح نیست چون وضو گرفتن، تصرف در ظرف است و عرف بین استعمال و فعل مترتب بر آن تفاوتی قائل نیست، یعنی این‌گونه نیست که عرف بین استعمال آب موجود در ظرف طلا یا نقره [، مثل آب برداشتن] و فعل مترتب بر آن [مثل وضو] فرق قائل شود، بلکه عرف به صرف آب برداشتن از ظرف طلا یا

۱. «المائدة»: ۶.

نقره و وضو گرفتن با آن، می‌گوید که متوضی در ظرف طلا یا نقره تصرف کرده است و تصرف در ظرف نیز چیزی جز برداشتن آب از ظرف نیست و وضو یا غسل فی حدنفسه تصرف در ظرف طلا یا نقره شمرده می‌شود و باطل است.

توضیح اینکه، امکان تقرب با چیزی که مبعوض مولاست [، مثل تصرف در ظرف طلا و نقره] وجود ندارد و بنابراین، وضوی شخص باطل است و بین صورت انحصار و عدم انحصار نیز فرق نیست و در هر دو فرض، تصرف در ظرف طلا یا نقره صدق می‌کند و وضوی گرفته شده باطل است. شاید نظر مرحوم سید (ره) در عبارت: «أن لا يكون ظرف ماء الوضوء من أواني الذهب أو الفضة و إلا بطل»، این باشد که شخص با وضوی از آب ظرف طلا یا نقره در آن ظرف تصرف کرده است و تصرف در آن ظرف مبعوض مولاست و امکان تقرب با امر مبعوض نیست لذا وضوی گرفته شده باطل است.

قلنا: آنچه عنوان تصرف دارد، دست بردن در آب و حالت اغتراف است، ولی کارهایی که بعد از تصرف انجام می‌گیرد، تصرف در ظرف نیست بلکه تصرف در آبی است که برداشته شده است و آن آب مباح است و وضوی با آن اشکالی ندارد و حرام نیست. پس تصرفاتی که شخص بعد از أخذ آب از ظرف طلا یا نقره انجام می‌دهد، به حسب فهم عرفی تصرف در ظرف طلا یا نقره نیست، بلکه تصرف در آب مباح است و وضو گرفتن با آن جایز است.

مرحوم آیت الله خویی (ره) و بعضی از بزرگان دیگر گفته‌اند که در این فرض، عرف بین تصرف در ظرف و تصرف در آب تفکیک کرده است و تصرف در آب را مقوله‌ای غیر از تصرف در ظرف می‌داند.

جالب این است که حکم به حرمت اكل و شرب از ظروف طلا و نقره به خاطر این نیست که چون اكل و شرب از ظرف طلا و نقره تصرف در ظرف است، حرام است، بلکه حرمت اكل و شرب از این ظروف به خاطر دلیل خاصی است که در این مورد وارد شده است و چنین دلیلی در رابطه با وضو وجود ندارد.

اما اگر افعال مترتب بر استعمال، حرام باشد، در فرض انحصار آب به آب موجود در ظرف طلا یا نقره تکلیف وضو و غسل از شخص ساقط است و او باید تیمم کند و وجهی برای وضو و غسل باقی نمی‌ماند مگر اینکه از باب ترتب باشد.

ادامه بحث، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمين»